

بررسی نقش روش الگویی کارگزاران نظام آموزشگاهی در پیش‌بینی دین‌داری دانش‌آموزان دختر شهر تهران

مهران فرح‌اللهی^{۰۰}طیبه محمدی‌شوره^۰

چکیده

هدف از انجام این پژوهش بررسی نقش روش الگویی کارگزاران نظام آموزشگاهی (مدیران، معاونان پرورشی و دبیران پیام‌های آسمانی) در پیش‌بینی دین‌داری دانش‌آموزان دختر شهر تهران است. روش پژوهش توصیفی از نوع همبستگی است. جامعه آماری این پژوهش دانش‌آموزان دختر دوره متوسطه شهر تهران بود که براساس جدول کرجسی و مورگان (۱۹۷۰) ۲۸۰ نفر به روش خوشه‌ای چند مرحله‌ای به عنوان نمونه انتخاب شدند. ابزار جمع‌آوری اطلاعات پرسش‌نامه تربیت الگویی کارگزاران نظام آموزشگاهی فضائلی (۱۳۸۲) در سه فرم (مدیر آموزشگاه، معاون پرورشی و دبیر پیام‌های آسمانی) و پرسش‌نامه سنجش دین‌داری شجاعی‌زند (۱۳۸۴) بود که روایی و پایایی آن توسط ملاک‌های روان‌سنجی مورد تایید قرار گرفت. داده‌های حاصل توسط ضریب همبستگی و رگرسیون چندگانه مورد تجزیه و تحلیل گرفت. یافته‌های پژوهش حاکی از این است که بین روش الگویی مدیران مدارس، دبیران پیام‌های آسمانی و دین‌داری دانش‌آموزان همبستگی مثبت و معناداری وجود دارد و روش الگویی مدیران مدارس و دبیران پیام‌های آسمانی از قدرت پیش‌بینی دین‌داری دانش‌آموزان برخوردارند. دیگر یافته این پژوهش وجود رابطه بین روش الگویی معاون پرورشی مدرسه و دین‌داری دانش‌آموزان دختر بود که علی‌رغم وجود رابطه بین این متغیرها تحلیل رگرسیون نشان داد که روش الگویی معاون پرورشی مدرسه از قدرت پیش‌بینی دین‌داری دانش‌آموزان برخوردار نیست.

واژگان کلیدی: دین‌داری، دانش‌آموزان دوره متوسطه، کارگزاران نظام آموزشگاهی (مدیران، معاونان پرورشی و دبیران پیام‌های آسمانی)، روش الگویی.

□ تاریخ پذیرش: ۹۶/۹/۱۲

□ تاریخ دریافت: ۹۵/۱۲/۱۰

* کارشناس ارشد فلسفه آموزش و پرورش، دانشکده علوم تربیتی، دانشگاه پیام نور واحد تهران جنوب، ایران.....
t.mohamadishoreh@gmail.com

** نویسنده مسئول: استاد برنامهریزی درسی، دانشکده علوم تربیتی، دانشگاه پیام نور واحد تهران جنوب، ایران.....
farajollahim@yahoo.com

اهمیت آموزش و انتقال مفاهیم دینی بر هیچ کس پوشیده نیست. از نظر فلاسفه و علمای اخلاق تربیت رساندن جسم و روح به بالاترین پایه جمال و کمال است. از نظر روان‌شناسان تربیت عملی عمدی، آگاهانه و دارای هدف از سوی فردی بالغ به منظور ساختن، پروردن و دگرگون کردن فرد است. از دیدگاه اسلام تربیت احیای فطرت خدا آشنای انسان و پرورش ابعاد وجودی او در جهت حرکت به سوی کمال بی‌نهایت است (قائمی، ۱۳۸۱: ۲۴-۲۷).

تربیت پرورش دادن استعدادهای درونی است که بالقوه در انسان موجود است. تربیت باید تابع و پیرو طبیعت و سرشت موجود باشد (مطهری، ۱۳۹۵: ۵۶-۵۷). از این رو براساس نظام تربیت اسلامی، تربیت آموزش اطلاعات و انتقال پیام‌های اخلاقی نیست، بلکه فراهم کردن زمینه‌ای برای واقعیت یافتن نیکی طبیعت انسان و به‌کار بردن وجدان اخلاقی فرد است تا او خود با تکیه بر درون مایه‌های فطری خویش آن چه را خیر و فضیلت است کشف کند. قرآن مجید می‌فرماید: «وَمَنْ أَضَلُّ مِمَّنْ اتَّبَعَ هَوَاءَ بَغِيرِ هُدَىٰ مِنَ اللَّهِ» (القصص، ۵۰) چه کسی گمراه است آن که پیرو هوای نفس خویش باشد و از هدایت خدا بهره نگیرد.

در سال‌های اخیر با توجه به تلاش‌های بسیاری که در آموزش مفاهیم دینی صورت گرفته و نیز فعالیت‌های بی‌وقفه‌ای که مربیان برای آشنایی کودکان با مبانی دینی انجام داده‌اند تنها شاهد انبوه سازی مطالب ذهنی در آنان به عنوان محفوظات هستیم در حالی که این آموزه‌های تعالی‌بخش سبک، شیوه زندگی و اعتقادات آینده فرد را می‌سازد. به‌طوری که اگر این آموزه‌های تعالی‌بخش با بینش و بصیرت صحیح صورت نگیرد به مرور کمرنگ شده و یا در مواجهه فرد با زرق و برق‌های فرهنگ بیگانه از بین خواهد رفت.

یکی از مسئولیت‌های مدارس، تربیت دینی دانش‌آموزان است. در نظر اسلام ادب و تربیت فرزندان از تأمین نیازهای جسمانی آنان ارزنده‌تر است. مهم این است که به همراه تعلیمات و تعلّمات، تربیت انسانی باشد. چه بسا اشخاصی که در علم به اعلاء رسیدند، لکن تربیت انسانی ندارند. یک چنین اشخاصی، ضررشان بر کشور و ضررشان بر ملت و اسلام از دیگران زیاده‌تر است. آن کسی که دانش دارد، لکن دانش‌اش توأم

با تهذیب اخلاقی و تربیت روح نیست، ضررش به جامعه زیاده‌تر از آن‌هایی است که دانش ندارند. چرا که چنین شخصی این دانش را شمشیری در دست خود می‌کند و با آن شمشیر، ممکن است ریشه کشور را از بین ببرد. در تربیت دینی نمی‌خواهیم دانش‌آموز تنها با مفاهیم دینی آشنا شود، بلکه می‌خواهیم آشنایی با مفاهیم دینی را به صورتی کاربردی، تحلیلی و باورمند به رفتار و عملکرد دینی تبدیل کند. در تربیت دینی، هدف به خاطر سپاری اصطلاحات، واژه‌ها و گفتارهای دینی نیست، بلکه هدف، پیدایش تغییرات اساسی در احساس، ارزش، نگرش و باور دانش‌آموز در مورد خود، محیط اطراف، پدیده‌ها و رویدادهای درونی و بیرونی، لطف و رحمت خداوند، نظم و هماهنگی هستی، هدف‌دار بودن و خط سیر داشتن حرکات‌های کیهانی است تا از این طریق، نحوه برخورد و رفتار خود را با خویش‌تن و جهان پیرامون تنظیم کند (حجتی، ۱۳۶۴: ۱۷-۱۸). در حقیقت، هدف شناخت، انتخاب راه و شیوه عمل از روی تفکر است. بنابراین وظیفه مربی انتقال معلومات، پیام‌ها و قواعد اخلاقی و دینی نیست بلکه فراهم ساختن شرایطی است که مربی آنچه را که در پی یاد دادن به او هستیم، خود شخصاً کشف کند.

دین‌داری یعنی داشتن اهتمام دینی به نحوی که نگرش، گرایش و کنش‌های فرد را متأثر سازد. از این رو کشف و شناسایی نگرش، گرایش و کنش‌های فرد مستلزم مطالعات درون دینی است اما عمق، شدت، تاثیرگذاری و روند تغییرات آن مستلزم واری‌های بیرونی است. لازم به ذکر است دین‌داری یا تربیت دینی بر حسب رویکرد و فحوای مختلف ادیان متفاوت است.

برحسب دیدگاه‌های متفاوت ادیان مدل‌های مختلفی از دین‌داری وجود دارد. حتی در یک دین نیز قرائت‌های متفاوتی نسبت به دین وجود دارد. در دین اسلام عده‌ای از جمله مطهری (۱۳۹۵) به سه بعد اعتقادات، احکام و اخلاق و عده‌ای دیگر از جمله شجاعی‌زند (۱۳۸۴) به پنج بعد یعنی عقیده، ایمان، عبادات، اخلاق و شریعت (فقه) توجه نموده‌اند. این تمایزات بیش از آن که ناشی از اختلاف نظرهای اصولی در چیستی و حیطه عمل دین باشد برخاسته از اختلاف تعبیر مفسران از مفاهیم به‌کار رفته است. با تامل در فحوای ادیان، آموزه‌ها و تعالیم آن‌ها، سه جنبه معرفتی، عاطفی و رفتاری قابل تشخیص است. این سه جنبه به بیان‌های مختلف در همه ادیان ابراز شده است. لازم به

ذکر است که عقیده، ایمان، عبادت، اخلاق و شریعت مفاهیم و مقولاتی اند که هر کدام جنبه متمایزی از دین را معرفی می نمایند و در عین حال در یک یا دو وجه از وجوه سه گانه ریشه دارند. دین داری را اگر تاثیر و تجلی کم و یا زیاد دین در ذهن، روان و رفتار فرد بدانیم، آن را از طریق ابعادی از قبیل معتقد بودن، مومن بودن، اهل عبادت بودن، اخلاقی عمل کردن و متشرع بودن می توان شناخت. طبیعی است که برای سنجش دین داری علاوه بر ابعاد و وجوه تصریح شده دین داری که حکم حداقل های دینی بودن است می توان دین داری را از طریق نشانه ها و آثار آن سنجید و به اهمات فرد در بالا بردن دانش و معلومات دینی خود، در داشتن ظاهر دینی، در اقامه و برپایی شعائر و داشتن اهتمام مشارکتی و پیوندهای معاشرتی اشاره کرد. پیامدهای عمیق دین داری را که همانا هدف غائی ادیان در متحول ساختن انسان ها است باید در کسب بینش الهی و در تعمیق ایمان و تجلیاتش در نیل به قدرت کشف و شهود، جست و جو کرد. شجاعی زند (۱۳۸۴) این مجموعه را در مدل زیر به نحوی آورده است که یک دستگاه منسجم مفهومی را نشان دهد.

جدول ۱. مدل پیشنهادی سنجش دین داری در ایران (شجاع زند، ۱۳۸۴)

ابعاد وجودی انسان	وجوه دین	ابعاد دین	ابعاد دین داری	نشانه های دین داری	بی آمدهای دین داری	
ذهن	معرفتی	اعتقادات	معتقد بودن	داشتن معلومات دینی	بینش الهی	
روان	عاطفی	ایمانیات اخلاقیات	مومن بودن	-----	اهل معنا بودن	
			اهل عبادت بودن			
			انجام جمعی عبادات			
			اخلاقی عمل کردن		متخلق بودن	
تن	عملی	شرعیات	متشرع بودن	عمل به تکالیف فردی	متقی بودن	
				عمل به تکالیف جمعی		داشتن ظاهر دینی
						ابراز هویت دینی
						داشتن اهتمام شعائری
						داشتن مشارکت دینی
داشتن معاشرت دینی						
اهتمام دینی در خانواده						

در این مدل پیشنهادی ابعاد دین ناظر بر ابعاد وجودی انسان است. پس ابعاد دین‌داری اولاً به انسان‌شناسی ادیان و ثانیاً به تمامیت و کمال هر دین بستگی دارد. لذا نمی‌توان الگوی دین‌داری یک آیین را برای ارزیابی پیروان آیین دیگر به کار برد. برای دین در کامل‌ترین صورت آن که متضمن پاسخگویی به تمامی نیازها و ابعاد وجودی انسان باشد چهار وجه معرفتی، عاطفی، ارادی و رفتاری قابل تصور است که به صورت مستقل یا در ترکیب با یکدیگر پشتوانه ابعاد مختلف دین هستند. قابل دفاع‌ترین مدل مطرح شده از ابعاد دین در اسلام، مدل پنج بعدی است که شامل اعتقادات، ایمانیات، عبادیات، اخلاقیات و شریعیات است و متناظر با آن معتقد بودن، مومن بودن، اهل عبادت بودن، اخلاقی عمل کردن و متشرع بودن از ابعاد پنج‌گانه دین‌داری محسوب می‌شود. براساس الگوی فوق سه دسته شاخص مرتبط به هم و در عین حال متفاوت وجود دارد که به کمک آن‌ها می‌توان دین‌داری فرد را سنجید. اما تشخیص میزان دین‌داری به روش پیمایش و با استفاده از ابزار پرسش‌نامه به عنوان یک شیوه رایج، حداکثر امکان سنجش دو دسته نخست یعنی ابعاد تصریح شده و آثار و نشانه‌های دین‌داری (ستون‌های ۴ و ۵) را به ما می‌دهد. آن هم نه در همه موارد. از این رو بررسی و سنجش پی‌آمدهای عمیق آن (ستون ۶) به دلیل بلاوصف بودن و یا امتناع فرد از ابراز، عملاً ناممکن است.

روش‌های گوناگونی در تربیت دینی مطرح است. یکی از روش‌هایی که روی آن تاکید شده است روش تربیت الگویی یا روش عملی است. این روش هم در ادبیات تعلیم و تربیت اسلامی و هم در ادبیات تعلیم و تربیت بسیار مورد توجه قرار گرفته است.

از الگو در عربی به «أسوه» و «قدوه» تعبیر می‌شود، از این رو برای بررسی مفهوم و الگو در متون دینی، باید از این دو واژه بهره بگیریم. أسوه از ریشه (أ س و) است که در حالت اسمی به معنی قدوه و در حالت مصدری، به نام الگو و پیروی کردن آمده است (طباطبایی، ۱۳۸۵، ج ۱۶: ۲۸۸).

در روایات واژه «أسوه» دست‌کم به سه معنای مقتدا، پیروی کردن و اقتدا نمودن آمده است که از وسعت معنایی برخوردار است، زیرا «أسوه» و «قدوه» عمدتاً ناظر به الگوهای انسانی است و بیشتر در مورد تربیت، تقویت ابعاد اخلاقی، رفتاری و شناختی

انسان به کار می‌رود. در حالی که واژه «الگو» به معنی طرح، مدل و نمونه آمده است که عمدتاً در مسائل آموزشی و یادگیری کاربرد دارد. روش الگویی، روشی است که اساس آن بر محور الگودهی و ارائه نمونه‌های عینی و عملی است. در این روش مربی تلاش می‌کند نمونه رفتار و کردار مطلوب را عملاً در معرض دید متربی قرار دهد تا شرایط لازم برای الگوبرداری و تقلید برای وی فراهم آید (مجلسی، بحارالانوار، ۱۳۸۵: ۲۴۵، ج ۸۴؛ نهج البلاغه، خطبه ۱۱۰).

مدرسه به عنوان کانون نظام آموزشی دومی کانون تربیت است که دارای نفوذ معنوی است و نقش الگویی به‌سزایی در تربیت ایفا می‌کند. به‌گونه‌ای که تمام ویژگی‌های فکری، روحی و جلوه‌های رفتاری آن‌ها مورد تقلید قرار می‌گیرد. هرچه قدرت نفوذ الگوها بیشتر و زمینه پذیرش آماده‌تر باشد نمونه‌برداری کامل‌تر صورت می‌گیرد. طرح الگوهای مختلف برای دانش‌آموزان، یکی از کارآمدترین روش‌های تربیت است (دلشادتهرانی، ۱۳۸۱). در این روش به سبب دیگر پیروی اخلاقی دانش‌آموزان می‌توان انتظار داشت الگوهای مختلف، به‌شدت مورد توجه نوجوان یا جوان واقع شود. دو مبحث همانندسازی^۱ در روان‌شناسی و «جامعه‌پذیری»^۲ در جامعه‌شناسی ما را به این نکته رهنمون می‌سازد که کودکان از همان آغاز حرکت و رشد اجتماعی خود، به محض ارتباط با دیگران به دنبال الگوها و نمونه‌هایی جهت تقلید می‌گردند. کودک و به ویژه نوجوان، براساس اصل همانندسازی سعی می‌کند الگویی برای خود انتخاب نموده و براساس آن رفتار خود را شکل بخشد. این یک حالت طبیعی انسان است. انسان ناگزیر از داشتن الگو است و به نظر می‌رسد که آیه شریفه «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ» (احزاب، ۳۳) اشاره به این معنی نیز داشته باشد. در مورد تربیت دینی، یکی از الگوهای کودکان و نوجوانان بعد از پدر و مادر، معلمین هستند. دانش‌آموز قبل از این که از معلم «بشنود»، از «رفتار» او فرا می‌گیرد، قبل از چشم دوختن به دهان معلم به رفتار او توجه می‌کند و کلام وی را با رفتارش مورد مقایسه قرار می‌دهد. در روش الگوسازی، فرد خصوصیات برجسته الگو را درونی می‌کند. این حالت که معمولاً به صورت ناهشیار به ثمر می‌رسد، همسان‌سازی یا همانندسازی نامیده می‌شود. همسان‌سازی فرایند روانی

1. Identification
2. Socialization

است که فرد یک جنبه یا یک خصوصیت دیگری را به خود می‌گیرد و خود را کلاً یا جزئاً براساس الگوی ماخوذ تغییر می‌دهد.

بنابر مطالعات و تحقیقات روان‌شناختی و جامعه‌شناختی، بیشتر رفتارها و کنش‌های اجتماعی نوجوان متأثر از الگوهای گوناگون است. از این رو الگوپذیری در نوجوانی یک امر اجتناب‌ناپذیر است. اما آنچه این واقعیت را بیش از همه مسئله دار جلوه می‌دهد، الگوپذیری نوجوان از خرده‌هنجارهای غیرمتداول (نابهنجار) اجتماعی و معیارهای ناصوابی است که نوجوانان در انتخاب شخصیت‌های مهم (الگو) زندگی خود در نظر می‌گیرند؛ مسئله‌ای که بیشترین آسیب‌پذیری نوجوان را، که همان بی‌ثباتی در قضاوت‌های ارزشی باشد، رقم می‌زند. طبق نظر پژوهشگران، تزلزل در قضاوت‌های ارزشی نوجوان ریشه در ناپایداری گروه‌های مرجع دوران نوجوانی دارد. طرد الگوپذیری و انکار پیوند نوجوان با گروه‌های مرجع نه تنها با اقتضائات روانی و اجتماعی دوره نوجوانی ناسازگار است، که برای جامعه، بسیار خطرناک و آسیب‌زا است. الگوپذیری در نوجوانان یک امر طبیعی و مسبوق به اقتضائات زیستی و اجتماعی است. در تربیت دینی، وجود مقدس نبی اکرم (ص) بهترین الگو معرفی شده است. پس از نبی اکرم، ائمه معصومین (ع) و به تبع آنان: صاحبان خرد الهی و نفوس زکیه، عالمان و دانشمندان روحانی و مریبان که سعی در تبعیت از الگوهای معصوم را دارند، بهترین الگوهای متریبان امت به‌شمار می‌روند. از این رو قدم اول در تربیت دینی با روش الگویی شناساندن الگوها و قدم دوم ایجاد پیوند عاطفی در کودک و نوجوان نسبت به الگو و سرمشق است. قرآن کسانی را که به‌طور کورکورانه از الگوهای ناسالم پیروی می‌کنند، مورد نکوهش قرار می‌دهد و آنان را به بصیرت فرا می‌خواند. «إِنَّا وَجَدْنَا آبَاءَنَا عَلَىٰ أُمَّةٍ وَإِنَّا عَلَىٰ آثَارِهِم مُّقْتَدُونَ. قَالَ أُولُو جِنَّتِكُمْ بِأَهْدَىٰ مِمَّا وَجَدْتُمْ عَلَيْهِ آبَاءَكُمْ» (زخرف، ۲۳ و ۲۴).

در مجموع باید گفت، الگو (اسوه) اصل است برای شدن، با به‌کارگیری این اصل می‌توان صفات برجسته را به تدریج در فرزندان درونی کرد. هرگاه کودک از مربی خود حالات و صفاتی را دریافت کند که موجب خرسندی و رضامندی او شود، به تدریج با الگو پیوند قلبی برقرار می‌نماید و در نتیجه به‌طور ناهوشیار خود را همانند الگو سازمان می‌دهد. هر چقدر این الگوها والاتر و ارزشمندتر باشند، الگوپذیر به افق‌های بالاتری می‌رسد. www.SID.ir و روانی دست می‌یابد. این کلام امام علی (ع) که «جَالِسِ الْعُلَمَاءِ يَزِدُّ

عَلْمَكَ وَ يَحْسُنْ أَدَبَكَ وَ تَزَكُ نَفْسَكَ» (غرالحکم و دررالکلم، ۱۳۶۵: ۴۷۸۶) همه حاکی از تأثیرپذیری انسان از الگوهای تربیتی است. از این رو لازم است الگوهای صادق و برخوردار از کمال مطلوب به مریبان ارائه شود. به بیان دیگر، باید الگوهای ارائه شده حرفی برای گفتن داشته باشند تا بتوانند لباس الگو را بر تن کنند و منشأ اثر شوند. به فرموده امیرالمؤمنین (ع): «كَيْفَ يُصْلِحُ غَيْرَهُ مَنْ لَا يُصْلِحُ نَفْسَهُ؟» کسی که خود را اصلاح نکرده است، چگونه می‌تواند دیگران را اصلاح کند (غرالحکم و دررالکلم، ۱۳۶۵: ۵۵۵). هر قدر الگوها از کمال بیشتری برخوردار باشند، دایره تأثیر آنها در الگوپذیری بیشتر است. علاوه بر کمال، جامعیت الگوها نیز سهم و افری در این تأثیرگذاری دارد. امیرالمؤمنین (ع) مؤمنان را به همین گونه به پیروی از اهل بیت پیامبر (ص) فرمان می‌دهد. ایشان می‌فرمایند «به خاندان پیامبرتان بنگرید و بدان سو که می‌روند بروید و پی آنان را بگیرید که هرگز شما را از راه رستگاری بیرون نخواهد کرد و به هلاکت‌تان باز نخواهند آورد. اگر ایستادند بایستید و اگر برخاستند، برخیزید. بر آنها پیشی مگیرید که گمراه می‌شوید (نهج البلاغه، خطبه ۹۷).

از قواعد اساسی و مهم برای این روش می‌توان به آمیختگی آن با منطق و پرهیز از تقلد پروری بی‌استدلال اشاره کرد. قرآن کریم تقلید کورکورانه از پدران را بر نمی‌تابد و در موارد متعددی آن را مورد نکوهش قرار می‌دهد (زخرف، ۲۳ و ۲۴) در مقابل انسان را به گزینش در مقام اقتدا فرامی‌خواند و می‌فرماید: «أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَى اللَّهُ فَبِهِدَاهُمُ اقْتَدِهْ...» (انعام، ۱۹) این‌ها کسانی بودند که خداوند آنها را هدایت کرد (و می‌توانند جنبه الگویی داشته باشند) و تو ای پیامبر به هدایت آنان اقتدا کن (نه به خود آنها). زیرا شریعت پیامبر (ص) شرایع آنان را نسخ نموده و قرآن فراتر از کتاب‌های آنان است (طباطبایی، ۱۳۸۵: ۲۶).

پرورش قوه ابتکار و تفکر در انسان، پرورش روح علمی، تشویق و تنبیه از محورهای است که در روش الگویی، می‌توان از آنها برای تربیت دینی الهام گرفت. مطهری (۱۳۹۵) معلم را جاذب‌ترین و با نفوذترین الگو در کودکان و نوجوانان معرفی نموده است. امینی (۱۳۸۷) و غراب (۱۳۷۵) در مطالعه‌ای به ترسیم الگوهای تربیت دینی پرداخته‌اند. آنان به زمان آغاز تربیت، اهمیت دادن به تربیت و شیوه مناسب الگویی برای تعلیم و تربیت اشاره و روش‌های تربیت دینی را مورد پژوهش قرار داده‌اند و دریافتند

که الگوهای تربیتی چه در نقش مثبت و چه در نقش منفی در دوران رشد دانش‌آموزان نقش مهم و برجسته‌ای را ایفا می‌نمایند. افشار (۱۳۷۹) در پژوهشی به این نتیجه دست یافت که تربیت دینی، اقتدارگرا و الگومحور است و خداوند الگوهایی را برای هدایت انسان معرفی و بشر را به پیروی از آن‌ها دعوت نموده است. همچنین آذری (۱۳۷۵) در پژوهشی به این نتایج دست یافت که محیط خانه و مدرسه با تربیت دینی رابطه داشته و دارای نقش قابل توجهی بوده و بیش‌ترین تاثیر را در تربیت دینی ایفا می‌نمایند. نکته مهم در روش الگوسازی این است که فرد با کسی همانندسازی می‌کند که با او پیوند عاطفی برقرار کند. هرچه میزان و پیوند عاطفی بین فرد و الگو بیشتر باشد، متربی خصوصیات و صفات بیشتری از الگو را درونی می‌کند. به عبارت دیگر، همانندسازی و الگوپذیری مسیر بهنجاری و نابهنجاری شخصیت کودک و نوجوان را تعیین می‌کند.

منظور از روش الگویی در این پژوهش، اعمال و رفتار کارگزاران نظام آموزشی (مدیر، معاون پرورشی و دبیران پیام‌های آسمانی) است که بر تربیت این دانش‌آموزان تاثیر می‌گذارد و آن‌ها را دین‌دار یا بالعکس دین‌زدا می‌نماید. کثرت و تنوع الگوها و نیز محیط‌های تربیتی، دامنه کاربرد این روش را گسترده‌تر کرده است. در مدرسه، همواره افرادی از جمله معلمان و مدیران وجود دارند که خواسته یا ناخواسته مورد توجه الگوپذیر قرار می‌گیرند و به عنوان یک سرمشق و الگو برای دانش‌آموزان ایفای نقش می‌نمایند. از این رو نقش معلم و مربی در شکل‌گیری شخصیت انسان نقشی کلیدی است، که باید به آن توجه داشت. خداوند در قرآن می‌فرماید: *فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ إِلَى طَعَامِهِ* (پس باید انسان به خوراک خود بنگرد) (عبس، ۲۴) و کدام خوراک مهم‌تر و در خور توجه‌تر از خوراک روح و تعلیم و تربیت است؟ از امام باقر(ع) درباره این آیه سؤال شد که معنی خوراک چیست فرمود: علمی که فرا می‌گیرید، بنگر از چه کسی فرامی‌گیرید (وسائل الشیعه ج ۱۸ : ۴۳).

پژوهش‌های انجام شده در این زمینه هم موید این ادعا است. مطالعات فراوانی از جمله لاین^۱ (۲۰۰۵)، مونی^۲ (۲۰۱۰)، شابمل، کوبلوتی و ون اورنوم^۳ (۲۰۰۹) تاثیر مذهب و انجام فرائض دینی را بر جنبه‌های مختلف زندگی خانوادگی، تحصیلی، اجتماعی و

1. Line
2. Mooney
3. Schubmehl, Cubbellotti & Van Ornum

روانی انسان‌ها مثبت ارزیابی کرده و همگی نشان داده‌اند که میان متغیرهای مذهب، عبادت و انجام فرائض دینی، خانواده و مدرسه، دوستان و آشنایان و رسانه‌ها رابطه‌ای دو سویه برقرار است.

زندواییان نائینی، دهقانی اشکذری و طیبی (۱۳۹۲) در مطالعه خود که پیرامون الگوپذیری دانش‌آموزان دختر نسبت به انجام فرائض دینی انجام داده بودند دریافتند که چهار عامل خانواده، مدرسه، دوستان و آشنایان و رسانه‌ها در گرایش دانش‌آموزان به انجام فرائض دینی نقش معناداری دارند. نتایج تحلیل رگرسیون چندگانه نشان می‌دهد که دو متغیر مستقل رسانه و خانواده می‌توانند ۳۱/۶ درصد واریانس رفتار دینی را پیش‌بینی و تبیین کنند. مطالعه آقای میبدی (۱۳۸۶) درباره عوامل مؤثر در رشد و تثبیت باورهای دینی دانش‌آموزان سال سوم دوره متوسطه شهرستان اردکان نشان داد که: الف- والدین عمده‌ترین نقش را در ایجاد و تقویت باورها و اعتقادات مذهبی فرزندان بر عهده داشته، با رفتارهای مناسب خود می‌توانند الگوهای مذهبی مناسبی برای فرزندان باشند. ب- معلمان و مدیران و مربیان پرورشی نقشی مهم در رشد و تقویت باورهای دینی دانش‌آموزان داشته، می‌توانند با رفتارهای مناسب خود و همچنین اتخاذ برنامه‌های دینی جذاب در مدارس نقش خود را به خوبی ایفا کنند. ج- آشنایان و دوستان می‌توانند در تقویت و رشد باورهای دینی نقش مهم داشته باشند. آشنایان به سبب رفتار مناسب و الگودهی و دوستان نیز در قالب گروه می‌توانند باورهای دینی را تقویت و رشد دهند. د- رسانه‌ها با برنامه‌های خود می‌توانند نقشی مهم در ترویج فرهنگ اسلامی و همچنین تقویت و رشد باورهای دینی نوجوانان و جوانان ایفا کنند. یافته‌ها درباره جنسیت نشان داد از میان چهار عامل خانواده، مدرسه، آشنایان، دوستان و رسانه‌ها، فقط عامل مدرسه در میان دانش‌آموزان دختر و پسر متفاوت است. در این مطالعه نتایج پردازش‌های به عمل آمده نشان داد که عامل مدرسه در گرایش دانش‌آموزان دختر به انجام فرائض دینی تأثیر مثبت و معناداری دارد. بنابراین مدرسه و عوامل مدرسه‌ای و بخصوص معلمان و مدیران می‌توانند در تقویت یا تضعیف دین‌داری دانش‌آموزان نقش کلیدی ایفا نمایند. از آنجا که دانش‌آموزان زمان فراوانی از دوران زندگی خود را در مدرسه می‌گذرانند، اهمیت این عامل پس از عامل خانواده می‌تواند بسیار مهم باشد.

موسوی‌نسب (۱۳۹۰) مراحل الگوی عمومی تربیت دینی را مشتمل بر ۳ مرحله

می‌داند که عبارتند از: ۱. قبل از تربیت (کسب صلاحیت‌ها)، ۲. در حین تربیت: ایجاد ارتباط با متربی، دعوت به نگرش توحیدی، دعوت به زندگی دینی، ۳. پس از تربیت: استمرار تربیت، ارزشیابی و حفظ ارتباط. مطالعه کارگر (۱۳۸۵) از نقش مثبت مدیران و دبیران در دین‌داری دانش‌آموزان حکایت می‌کند. سلیمی (۱۳۸۱) یادآور شد که بین جو مذهبی مدرسه که مدیران در ایجاد آن ایفای نقش می‌کنند و رشد باورهای دینی دانش‌آموزان دختر ارتباط وجود دارد. سلطانی (۱۳۸۱) نیز یادآور شد که دانش‌آموزان، بعد از پدر و مادر، مدرسه را عامل آموزش مسائل دینی و اخلاقی می‌دانند. اورنگی (۱۳۸۰) یادآور شد که باید مدارس به خصوص معاونان پرورشی روح علمی و تشویق را در تعلیم دانش‌آموزان مد نظر قرار دهند و برای دانش‌آموزان مجال تفکر، تجربه و تحلیل در مسائل مختلف را ایجاد کنند. وی همچنین خاطر نشان ساخت عوامل محیطی و مدرسه‌ای و جو حاکم از سوی مدارس تاثیر زیادی در تربیت دانش‌آموزان دارد. وی خاطر نشان ساخت که دانش‌آموزان دوره متوسطه در عمل نسبت به شئون دینی کم‌توجهی نشان می‌دهند. مربیان پرورشی در این کم‌توجهی نقش مهمی ایفا می‌کنند. رضایی (۱۳۷۷) نیز یادآور شد که در بررسی عوامل موثر بر دین‌داری دانش‌آموزان دختر معلمان به خصوص دبیران تعلیمات دینی تاثیر بسزائی دارند و ویژگی‌های شخصیتی و رفتاری معلمان دینی بر تربیت دانش‌آموزان موثر است. قربان‌زاده (۱۳۷۷) یادآور شد که در میان عوامل انسانی آموزشگاه مهمترین عامل تاثیرگذار در دین‌داری دانش‌آموزان، عملکرد دبیر دینی است. همچنین طالبان (۱۳۷۷ الف) نیز در مطالعه خود نشان داد که در تربیت دینی دانش‌آموزان سهم بیشتر به اولیاء، دوستان و همسالان و سهم کمتر به عامل مدرسه به ویژه مربی پرورشی اختصاص دارد. آذری (۱۳۷۵) در مطالعه خود دریافت که یکی از عوامل موثر بر تربیت دینی دانش‌آموزان، آموزشگاه و عوامل دست‌اندرکار آموزشگاهی است. آبروشن (۱۳۷۵) نیز یادآور شد که اطلاعات مذهبی که دانش‌آموزان از سوی مربیان پرورشی خود دریافت می‌کنند زیاد مطلوب و کافی نیست و عوامل مربوط به آموزش مثل کتاب و مربی تربیتی در درجه دوم قرار دارد. حال با توجه به یافته‌های پژوهش‌های انجام شده سوالی که مطرح است این است که با توجه به روش الگویی کارگزاران نظام آموزشی در دین‌داری دانش‌آموزان، عملکرد هر کدام از این کارگزاران (مدیر، معاون

بررسی و دبیر پیام‌های آسمانی) به چه میزان دین‌داری دانش‌آموزان را پیش‌بینی می‌کند؟

روش پژوهش

روش این پژوهش توصیفی از نوع همبستگی است. در مطالعات همبستگی هدف پیدا کردن رابطه میان متغیرهاست نه دستکاری آن‌ها. در تحقیق همبستگی با تحلیل رگرسیونی رابطه میان متغیرها براساس هدف تحقیق تحلیل می‌گردد و تغییرات یک یا چند متغیر وابسته (ملاک) با توجه به تغییرات متغیر مستقل (پیش‌بین) پیش‌بینی می‌شود (سرمد، بازرگان و حجازی، ۱۳۹۵). به اعتقاد کرلینجر (۱۹۸۶، ترجمه شریفی و نجفی‌زند، ۱۳۹۳) روش‌های چندمتغیری پرتوان‌ترین و مناسب‌ترین شیوه‌های پژوهش علمی در علوم رفتاری است. جامعه آماری این پژوهش دانش‌آموزان دختر سال‌های دوم، سوم و پیش‌دانشگاهی دبیرستان‌های شهر تهران بودند. روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای بود. به منظور تعیین حجم نمونه از روش برآورد حجم نمونه بر حسب جدول تعیین حجم نمونه از روی جامعه (کرجسی و مورگان، ۱۹۷۰) استفاده شد. حداقل حجم نمونه براساس جدول کرجسی و مورگان (۱۹۷۰) برای جامعه آماری دانش‌آموزی این پژوهش برابر ۲۵۰ است. این بدین معنا است که تعمیم نتایج از این نمونه به جامعه با انتخاب تصادفی حداقل ۲۵۰ نفر از روایی بیرونی برخوردار است. اما با توجه به احتمال افت آزمودنی‌ها حجم نمونه به ۲۸۰ نفر افزایش یافت. در رابطه با روش اجرا لازم به ذکر است که پس از انتخاب نمونه‌ها، همکاران پژوهشگر در محل پژوهش حاضر شدند. ابتدا هدف‌های پژوهشی را با مسئولین مدرسه در میان گذاشتند تا اجازه ورود به کلاس را پیدا کنند. سپس از دانش‌آموزان خواسته شد که به دقت به سوالات پرسش‌نامه پاسخ دهند. پس از پاسخ دادن دانش‌آموزان به سوالات پرسش‌نامه هر سه فرم پرسش‌نامه (مدیر آموزشگاه، معاون پرورشی و دبیر پیام‌های آسمانی) جمع‌آوری و همزمان داده‌های حاصل مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. برای تجزیه و تحلیل اطلاعات از روش‌های آماری در دو سطح توصیفی یعنی (میانگین و انحراف معیار) و استنباطی (تحلیل رگرسیون چندمتغیری) استفاده شد. پرسش‌نامه‌هایی که اطلاعات آنان مخدوش بود از پردازش حذف و مورد تجزیه و تحلیل قرار نگرفت.

ابزار جمع‌آوری اطلاعات

برای جمع‌آوری اطلاعات از دو ابزار استفاده شد که عبارتند از :

۱. پرسشنامه روش الگویی کارگزاران نظام آموزشی (فضائلی، ۱۳۸۲)

برای بررسی نقش روش‌های الگویی مدرسه در دین‌داری دانش‌آموزان از پرسش‌نامه محقق ساخته فضائلی (۱۳۸۲) که جهت بررسی عملکرد مدرسه در تربیت دینی دانش‌آموزان تهیه شده بود، استفاده شد. البته گویه‌های این پرسش‌نامه با اهداف و ادبیات پژوهش حاضر یعنی مبانی نظری و پژوهش‌های انجام شده در زمینه روش‌های الگویی مدرسه در تربیت دینی انطباق داده شد. این پرسش‌نامه دارای ۴۲ گویه چهارگزینه‌ای است که گزینه‌های آن‌ها در مقیاس لیکرتی در دامنه‌ای از نمره ۴ برای گزینه (کاملاً همین‌طور است) تا نمره ۱ برای گزینه (اصلاً این‌طور نیست) تنظیم شده است. جهت پی‌بردن به روایی این پرسش‌نامه، پرسش‌نامه در اختیار صاحب‌نظران آشنا به حوزه تربیت دینی قرار داده شد و از آن‌ها خواسته شد که به انطباق تک‌تک گویه‌ها با مولفه‌های مربوطه و اهداف پژوهش بپردازند. گویه‌هایی که براساس نظر متخصصان از ویژگی انطباق برخوردار نبودند حذف شدند و گویه‌هایی که به ویرایش نیازمند بود ویرایش شدند. سپس پرسش‌نامه ویرایش شده جهت بررسی مجدد در اختیار متخصصان و کارشناسان قرار داده شد. متخصصان و کارشناسان ذی‌ربط پس از انجام بررسی‌های لازم، اصلاحاتی پیشنهاد نمودند. پژوهشگر و همکاران اصلاحات پیشنهادی متخصصان و کارشناسان را انجام و مجدداً در اختیار آنان قرار دادند که نهایتاً مورد تایید قرار گرفت. پایایی این پرسش‌نامه از طریق محاسبه ضریب آلفای کرونباخ تعیین شد که ضرایب محاسبه شده در جدول ۲ آمده است. لازم به ذکر است این پرسش‌نامه در سه فرم تنظیم شد. فرم مخصوص مدیر، معاون پرورشی و دبیر پیام‌های آسمانی. تفاوت این سه فرم در این است که نحوه تنظیم گویه‌ها در هر فرم با مسئولیت ویژه آن گروه مطابقت داده شده است. مولفه‌های این پرسش‌نامه در هر سه فرم به همراه تعداد سوال‌ها در جدول ۲ آمده است.

جدول ۲. ضریب پایایی پرسش‌نامه روش الگویی کارگزاران نظام آموزشی در سه فرم (مدیر، معاون پرورشی و دبیر پیام‌های آسمانی)

ضریب آلفای کرونباخ فرم دبیر پیام‌های آسمانی		ضریب آلفای کرونباخ فرم معاون پرورشی		ضریب آلفای کرونباخ فرم مدیر مدرسه		تعداد سوالات	مولفه های روش تربیت الگویی
پرسش‌نامه حاضر	پرسش‌نامه فضائلی	پرسش‌نامه حاضر	پرسش‌نامه فضائلی	پرسش‌نامه حاضر	پرسش‌نامه فضائلی		
۰/۸۲	۰/۷۹	۰/۷۹	۰/۸۰	۰/۸۰	۰/۸۱	۶	الگو بودن
۰/۹۰	۰/۸۲	۰/۸۴	۰/۸۴	۰/۸۲	۰/۷۹	۶	دیدار با اندیشمندان و بزرگان
۰/۸۱	۰/۸۵	۰/۷۹	۰/۸۵	۰/۸۹	۰/۸۸	۸	وفای به عهد در صورت وعده دادن
۰/۸۰	۰/۸۴	۰/۸۲	۰/۸۱	۰/۹۱	۰/۸۶	۶	شرکت در محافل علمی و مجالس
۰/۸۲	۰/۸۶	۰/۸۵	۰/۸۷	۰/۸۹	۰/۸۷	۴	دوستی و مشاوره با خردمندان
۰/۸۴	۰/۸۸	۰/۸۴	۰/۸۹	۰/۸۶	۰/۸۹	۶	رجوع مربی به نوجوان و افتتاح باب دوستی
۰/۹۰	۰/۸۵	۰/۸۹	۰/۸۶	۰/۸۹	۰/۹۰	۶	مراقبت از اعمال و گفتار خود به‌ویژه در حضور دانش‌آموزان

داده‌های حاصل از جدول ۲ حاکی از این است که کلیه ضرایب هم در مطالعه فضائلی (۱۳۸۲) و هم در پژوهش حاضر به لحاظ آماری رضایت‌بخش بوده و در سطح ۰/۰۰۱ معنادار می‌باشند.

۲. پرسش‌نامه سنجش دین‌داری دانش‌آموزان (شجاعی‌زند، ۱۳۸۴)

دین‌داری یا تدین عبارت است از التزام فرد به دین مورد قبول خویش. این التزام در مجموعه‌ای از اعتقادات، احساسات و اعمال فردی و جمعی که حول خداوند (امر قدسی) و رابطه ایمانی با او دور می‌زند سامان می‌پذیرد (طالبان، ۱۳۷۷ ب). در این پژوهش، برای عملیاتی کردن و سنجش میزان دین‌داری از مدل شجاعی‌زند (۱۳۸۴) استفاده شده است. در مدل مذکور، مولفه‌های دین‌داری عبارتند از: اعتقادات، ایمانیات، عبادیات، اخلاقیات و شرعیات. براساس این مدل پرسش‌نامه سنجش دین‌داری دانش‌آموزان با این ۵ مولفه ساخته شد. این پرسش‌نامه دارای ۳۳ سوال است که سوالات هر گویه

در جدول ۳ گزارش شده است. دامنه نمرات در هریک از گویه‌های ابعاد دین‌داری از ۱ (به منزله عدم اعتقاد) تا ۵ (اعتقاد کامل) می‌باشد. میزان دین‌داری، حاصل ترکیب عوامل پنج‌گانه مذکور است. مقدار حداقل و حداکثر نمرات این مقیاس بین ۳۳ (عدم اعتقاد به تمامی گویه‌های ۳۳ گانه) تا ۱۳۰ (اعتقاد کامل به تمامی گویه‌ها) می‌باشد.

در این مطالعه پایایی این پرسش‌نامه توسط آلفای کرونباخ محاسبه شده است که در جدول ۳ آمده است. داده‌های حاصل بیانگر همسانی درونی بسیار مناسب بین گویه‌های طرح شده در مقیاس مذکور می‌باشد. در این مطالعه روایی این پرسش‌نامه به صورت محتوایی توسط صاحب‌نظران و کارشناسان آشنا به حوزه تربیت اسلامی و آموزش و پرورش مورد بررسی قرار گرفت. بدین صورت که پرسش‌نامه در اختیار تعدادی چند از صاحب‌نظران حوزه تربیت دینی و کارشناسان آشنا به حوزه آموزش و پرورش قرار داده شد و از آن‌ها خواسته شد که با توجه به ادبیات دین‌داری در رابطه با محتوای پرسش‌نامه اظهار نظر نمایند. براساس واری‌های انجام شده ویرایشی چند، پیشنهاد شد که، براساس اصلاحات پیشنهادی پرسش‌نامه مورد ویرایش قرار گرفت. مجدداً پرسش‌نامه ویرایش شده جهت قضاوت در اختیار متخصصان و کارشناسان قرار داده شد که هر دو گروه صاحب‌نظران و کارشناسان ذی‌ربط اصلاحات پیشنهادی را مورد تایید قرار دادند. ضرایب محاسبه شده در جدول ۳ گزارش شده است.

جدول ۳. ضریب پایایی مقیاس سنجش دین‌داری

مؤلفه‌های مقیاس دین‌داری	تعداد گویه‌های هر مؤلفه	ضریب آلفای کرونباخ در این مطالعه
اعتقادات	۷	۰/۸۸
ایمانیات	۶	۰/۸۰
عبادات	۷	۰/۸۶
اخلاقیات	۶	۰/۸۸
شرعیات	۷	۰/۷۵

داده‌های حاصل از جدول ۳ بیانگر همسانی درونی مناسب بین گویه‌های طرح شده در مقیاس مذکور می‌باشد که به لحاظ آماری نیز رضایت‌بخش و در سطح ۰/۰۱ معنادار

به منظور پیش‌بینی میزان دین‌داری دانش‌آموزان دختر از طریق روش‌های الگویی کارگزاران نظام آموزشی (مدیران، معاونان مدرسه و دبیران پیام‌های آسمانی)، از ضریب همبستگی، تحلیل واریانس و تحلیل رگرسیون پیرسون استفاده شده است که به ترتیب در جداول زیر گزارش شده است.

جدول ۴. ضریب همبستگی بین روش‌های الگویی کارگزاران نظام آموزشی با میزان دین‌داری دانش‌آموزان دختر

متغیرها	روش الگویی		میزان دین‌داری دانش‌آموزان دختر
	مدیر مدرسه	مدیر پیام‌های آسمانی	
روش الگویی مدیر مدرسه	ضریب همبستگی	۱
	سطح معنی داری
روش الگویی معاون مدرسه	ضریب همبستگی	۱
	سطح معنی داری
روش الگویی دبیر پیام‌های آسمانی	ضریب همبستگی	۱
	سطح معنی داری
میزان دین‌داری دانش‌آموزان دختر	ضریب همبستگی	۱
	سطح معنی داری

داده‌های حاصل از جدول ۴ نشان‌دهنده همبستگی بین متغیرهای مورد مطالعه است. چنان‌که در این جدول آمده است بین دین‌داری دانش‌آموزان دختر و روش‌های الگویی مدیران مدارس و دبیران پیام‌های آسمانی دانش‌آموزان رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. معنای ضرایب همبستگی مثبت این است که با افزایش هر یک از این متغیرها میزان دین‌داری دانش‌آموزان بهبود می‌یابد. اما بین میزان دین‌داری دانش‌آموزان دختر و روش الگویی معاون پرورشی مدرسه رابطه معناداری وجود ندارد. جهت آگاهی از قدرت پیش‌بینی متغیرهای فوق‌الذکر از تحلیل واریانس رگرسیون استفاده شد که نتایج آن در

**جدول ۵. نتایج تحلیل واریانس میزان دین‌داری دانش‌آموزان دختر
براساس روش الگویی مدیر مدرسه**

سطح معناداری	F	میانگین مجذورات	درجه آزادی	مجموع مجذورات	مدل
۰/۰۱	۴/۸۲۵	۱۱۱۸/۰۲۵	۱	۱۱۱۸/۰۲۵	رگرسیون
.....	۲۳۱/۶۹۵	۲۶۶	۶۱۶۳۰/۹۱۵	باقیمانده
.....	۲۶۷	۶۲۷۴۸/۹۰۰	کل

نتایج حاصل از تحلیل واریانس جدول ۵ نشان می‌دهد که رگرسیون متغیر ملاک (دین‌داری دانش‌آموزان دختر) از روی متغیرهای پیش‌بین یعنی روش الگویی مدیران مدرسه معنادار است. از این رو می‌توان نتیجه گرفت که رابطه بین متغیر پیش‌بین و ملاک نمی‌تواند ناشی از تصادف باشد. حال برای تعیین مقدار رابطه و مجذور آن یعنی ضریب تعیین از تحلیل رگرسیون استفاده شد که نتایج آن در جدول ۶ گزارش شده است.

**جدول ۶. نتایج رگرسیون مرحله ای میزان دین‌داری دانش‌آموزان دختر
براساس روش الگویی مدیر مدرسه**

سطح معناداری	F	(R ^۲)	(R)	سطح معناداری	t	خطای انحراف استاندارد	β	مدل
۰/۰۱	۰/۰۱	۴/۹۶	۱۲/۲۶۹	ثابت
۰/۰۱	۴/۸۲۵	۰/۲۰۷	۰/۴۵۶	۰/۰۱	۲۵/۴۵	۰/۰۲۴	۰/۶۱۱	روش الگویی مدیر

بررسی نتایج حاصل از تحلیل رگرسیونی داده‌های مربوط به پیش‌بینی میزان دین‌داری دانش‌آموزان دختر از طریق روش‌های الگویی مدیران مدرسه حاکی از آن است که روش الگویی مدیران مدرسه قادر است میزان دین‌داری دانش‌آموزان

را پیش‌بینی کند ($t=۲۵/۴۵$, $\beta=۰/۶۱۱$, $P\leq ۰/۰۱$). این متغیر به تنهایی می‌تواند ۲۰ درصد از واریانس میزان دین‌داری دانش‌آموزان دختر را پیش‌بینی کند که به لحاظ آماری معنادار می‌باشد. بررسی مقادیر ضرایب رگرسیونی مربوط به مدل پیش‌بینی میزان دین‌داری دانش‌آموزان دختر از طریق روش‌های الگویی مدیر مدرسه نیز حاکی از آن است که ضرایب عرض از مبدا (a) و شیب خط متغیر الگوی تربیتی مدیر مدرسه (β) به ترتیب دارای مقادیر ۱۲/۲۶۹ و ۰/۶۱۱ بوده است. از این رو معادله رگرسیون مربوط به پیش‌بینی میزان دین‌داری دانش‌آموزان دختر از طریق روش‌های الگویی مدیر مدرسه عبارت است از: (روش‌های الگویی مدیر مدرسه $\times ۰/۶۱۱ + ۱۲/۲۶۹ =$ میزان دین‌داری دانش‌آموزان دختر)

نتایج حاصل از ماتریس همبستگی جدول ۴ نشان می‌دهد که رگرسیون متغیر ملاک (دین‌داری دانش‌آموزان دختر) از روی متغیرهای پیش‌بین یعنی روش الگویی معاون پرورشی مدرسه معنادار نیست. به دلیل معنادار نبودن این رابطه تحلیل رگرسیون انجام نشد.

به منظور پیش‌بینی میزان دین‌داری دانش‌آموزان دختر از طریق روش‌های الگویی دبیران پیام‌های آسمانی مدرسه (به دلیل وجود رابطه مثبت و معنادار بین این دو متغیر براساس داده‌های جدول ۴) از تحلیل واریانس استفاده شد که نتایج آن در جدول ۷ گزارش شده است.

جدول ۷. نتایج تحلیل واریانس میزان دین‌داری دانش‌آموزان دختر براساس روش‌های الگویی دبیران پیام‌های آسمانی

سطح معناداری	F	میانگین مجزورات	درجه آزادی	مجموع مجزورات	مدل
۰/۰۱	۷/۲۷۸	۱۹۶۷/۶۰۳	۱	۱۹۶۷/۶۰۳	رگرسیون
.....	۲۷۰/۳۳۴	۲۰۴	۵۵۱۴۸/۱۴۵	باقیمانده
.....	۲۰۵	۵۷۱۱۵/۷۴۸	کل

نتایج حاصل از تحلیل واریانس جدول ۷ نشان می‌دهد که رگرسیون متغیر ملاک (دین‌داری دانش‌آموزان دختر) از روی متغیرهای پیش‌بین یعنی روش الگویی دبیران پیام‌های آسمانی دانش‌آموزان معنادار است. از این رو می‌توان نتیجه گرفت که رابطه بین متغیر پیش‌بین و ملاک نمی‌تواند ناشی از تصادف باشد. حال برای تعیین مقدار رابطه و مجذور آن یعنی ضریب تعیین تحلیل رگرسیون انجام شد که نتایج آن در جدول ۸ گزارش شده است.

جدول ۸. ضرایب رگرسیونی پیش‌بینی میزان دین‌داری دانش‌آموزان دختر براساس روش الگویی دبیر پیام‌های آسمانی

مدل	β	خطای انحراف استاندارد	t	سطح معناداری	(R)	(R ^۲)	F	سطح معناداری
ثابت	۱۳۲/۵۴۳	۶/۰۵۸	۲۱/۸۷۹	۰/۰۱	۰/۰۱
روش الگویی دبیر پیام‌های آسمانی	۰/۱۸۶	۰/۰۵۶	۲/۶۹۸	۰/۰۱	۰/۱۸۶	۰/۰۳۵	۷/۲۷۸	۰/۰۱

بررسی نتایج حاصل از تحلیل رگرسیونی داده‌های مربوط به پیش‌بینی میزان دین‌داری دانش‌آموزان دختر از طریق روش‌های الگویی دبیر پیام‌های آسمانی مدرسه جدول ۸ حاکی از آن است که روش الگویی دبیر پیام‌های آسمانی قادر است میزان دین‌داری دانش‌آموزان را پیش‌بینی کند ($t=۲/۶۹$, $\beta=۰/۱۸۶$, $P\leq ۰/۰۱$). این متغیر به تنهایی می‌تواند ۴ صدم درصد از واریانس میزان دین‌داری دانش‌آموزان دختر از طریق روش‌های الگویی مدیر مدرسه پیش‌بینی نماید که به لحاظ آماری معنادار می‌باشد. معادله رگرسیون مربوط به پیش‌بینی میزان دین‌داری دانش‌آموزان دختر از طریق روش‌های الگویی دبیر پیام‌های آسمانی مدرسه عبارت است از:

(روش‌های الگویی دبیر پیام‌های آسمانی مدرسه $\times ۰/۱۵۲$) + $۱۳۲/۵۴۳$ = میزان دین‌داری دانش‌آموزان دختر

بحث و نتیجه‌گیری

هدف از این پژوهش بررسی نقش روش‌های الگویی کارگزاران نظام آموزشی (مدیران، معاونان پرورشی و دبیران پیام‌های آسمانی) در پیش‌بینی دین‌داری دانش‌آموزان است. یافته‌های حاصل حاکی از این است که بین روش‌های الگویی کارگزاران نظام آموزشی با میزان دین‌داری دانش‌آموزان دختر رابطه مثبت و معنادار وجود دارد. جهت‌آگاهی از ماهیت رابطه و تصادفی نبودن آن از تحلیل واریانس استفاده شد که تحلیل واریانس به عمل آمده نشان داد که رابطه تصادفی نیست و جهت تعیین مقدار رابطه از تحلیل رگرسیون چند متغیری استفاده شد. داده‌های حاصل از تحلیل رگرسیون چند متغیری نشان داد که روش‌های الگویی مدیر مدرسه قادر است $20/7\%$ درصد دین‌داری دانش‌آموزان دختر را پیش‌بینی کند این یافته با یافته کارگر (۱۳۸۵)، سلیمی (۱۳۸۱)، اورنگی (۱۳۸۰)، رضایی (۱۳۷۷) و آذری (۱۳۷۵) همسوست. آنان در پژوهش‌های خود به این نتیجه رسیدند که بین دین‌داری دانش‌آموزان دختر و روش‌های تربیتی مدیران مدرسه که نقش الگویی برای آنان ایفا می‌کنند رابطه معنادار وجود دارد. سلیمی (۱۳۸۱) یادآور شد که بین جو مذهبی مدرسه که مدیران در ایجاد آن نقش کلیدی را برعهده دارند و رشد باورهای دینی دانش‌آموزان دختر ارتباط وجود دارد. سلطانی (۱۳۸۱) یادآور شد که دانش‌آموزان، بعد از پدر و مادر، مدرسه را عامل آموزش مسائل دینی و اخلاقی می‌دانند. یافته فوق‌الذکر مبین این مسئله مهم است که مدارس و جو حاکم در آن در ایجاد و پرورش روحیه علمی، و دین‌داری در بین دانش‌آموزان نقش مهم و قابل توجهی ایفا می‌کنند. تشویق و تنبیه که از سوی کارگزاران نظام آموزشی اعمال می‌شود باید از نظر دانش‌آموزان معنادار باشد تا بتواند به پرورش قوه ابتکار و تفکر در آنان منجر شود. اورنگی (۱۳۸۰) نیز یادآور شد که باید مدارس به خصوص مدیران پرورش روح علمی و تشویق را در تعلیم دانش‌آموزان مد نظر قرار دهند و برای دانش‌آموزان مجال تفکر، قوه تجزیه و تحلیل در مسائل مختلف ایجاد کنند. وی همچنین خاطر نشان ساخت عوامل محیطی و مدرسه‌ای و جو حاکم از سوی مدارس تاثیر زیادی در تربیت خصوصاً تربیت دینی دانش‌آموزان دارد.

در جامعه دینی، دین‌داری اهتمام جدی متولیان امر تربیت است. با توجه به این که کشور ما یک کشور اسلامی است و 99% جمعیت آن مسلمان است دین‌داری نسل

جدید یکی از اهداف وزارت آموزش و پرورش به عنوان نهاد رسمی متکفل امر تعلیم و تربیت در کشور به‌شمار می‌رود. با توجه به نقش مهمی که مدیر مدرسه می‌تواند در دین‌داری دانش‌آموزان داشته باشد، هرگاه از دین‌داری دانش‌آموز و کامروایی و ناکامی نظام آموزش و پرورش در این زمینه سخن به میان می‌آید، انگشت اشاره به سوی این گروه (مدیران) نشانه می‌رود. بر این اساس پیشنهاد می‌شود که سیاست‌گذاران نظام آموزشی در انتخاب مدیران آموزشگاه‌ها (مدارس) نهایت دقت را داشته باشند، زیرا این مدیران هستند که به همه عوامل آموزشی جان می‌بخشند و آن‌ها را سودمند و نتیجه‌بخش می‌گردانند و به رفتار دانش‌آموزان شکل می‌دهند.

یافته دیگر این پژوهش وجود رابطه مثبت و معنادار بین روش‌های الگویی دبیر تعلیمات دینی مدرسه با میزان تربیت دینی دانش‌آموزان دختر بود. داده‌های حاصل از تحلیل رگرسیون چند متغیری نشان داد که نقش الگویی دبیر پیام‌های آسمانی قادر است ۴٪ درصد دین‌داری دانش‌آموزان دختر را پیش‌بینی کند. این یافته با یافته‌های قربان‌زاده (۱۳۷۷)، رضایی (۱۳۷۷) و آبروشن (۱۳۷۵) همسو است. قربان‌زاده (۱۳۷۷) یادآور شد که در میان عوامل انسانی آموزشگاه مهمترین عامل تاثیرگذار در دین‌داری دبیر پیام‌های آسمانی است. رضایی (۱۳۷۷) نیز یادآور شد که در بررسی عوامل موثر بر دین‌داری دانش‌آموزان دختر معلمان به خصوص دبیران تعلیمات دینی تاثیر بسزایی دارند و ویژگی‌های شخصیتی و رفتاری معلمان دینی بر تربیت دینی دانش‌آموزان موثر است. آبروشن (۱۳۷۵) نیز خاطر نشان ساخت که عملکرد معلم تعلیمات دینی بعد از اولیاء دانش‌آموز در درجه دوم، تاثیر مستقیمی بر دین‌داری دانش‌آموزان دختر دارد.

دیگر یافته این پژوهش این است که بین روش‌های الگویی معاون پرورشی مدرسه با میزان تربیت دینی دانش‌آموزان دختر رابطه معناداری وجود ندارد. لازم به ذکر است پست معاونت پرورشی در مدارس قبلاً پست مربی پرورشی بوده است از این رو این یافته با یافته‌های شریعتمداری (۱۳۹۳)، اورنگی (۱۳۸۰)، قربان‌زاده (۱۳۷۷)، طالبان (۱۳۷۷ الف) و آبروشن (۱۳۷۵) همسو است. اورنگی (۱۳۸۰) خاطر نشان ساخت که دانش‌آموزان دوره متوسطه در عمل نسبت به شئون دینی کم‌توجهی نشان می‌دهند. مربیان پرورشی در این کم‌توجهی در مدارس نقش مهمی ایفا می‌کنند. قربان‌زاده (۱۳۷۷) نیز خاطر نشان نمود که نظرات دانش‌آموزان دوره متوسطه در مورد نقش ویژگی‌های مربی پرورشی در

دین‌داری دانش‌آموزان در سطح پایینی قرار دارد. همچنین طالبان (۱۳۷۷ الف) یادآور شد که در تربیت دینی دانش‌آموزان سهم بیشتر به اولیاء، دوستان و همسالان و سهم کمتر به مربی پرورشی اختصاص دارد. آبروشن (۱۳۷۵) نیز یادآور شد که اطلاعات مذهبی که دانش‌آموزان از سوی مربیان پرورشی خود دریافت می‌کنند زیاد مطلوب و کافی نیست و عوامل مربوط به آموزش مثل کتاب و مربی تربیتی در درجه دوم قرار دارد. این یافته یافته‌ای است تاامل برانگیز که لازم است مورد توجه متولیان امور پرورشی قرار گیرد. جهت بررسی این امر و مقابله با این پدیده لازم است عملکرد معاونان پرورشی مورد آسیب‌شناسی قرار گیرد و علت شناسایی شود تا سیاستگذاران نظام تربیتی بتوانند با علت این پدیده مقابله نمایند.

با توجه به یافته فوق پیشنهاد می‌شود که به دلیل اهمیت نقش کارگزاران نظام آموزشی در دین‌داری دانش‌آموزان لازم است نظام آموزش و پرورش از طریق برگزاری دوره‌های آموزشی عوامل دخیل در این امر را از جمله مدیران، دبیران و معاونان پرورشی را با این نقش و رسالت عظیم آگاه و در توانمند نمودن عمیق آنان بکوشد. علاوه بر این براساس یافته‌های حاصل از این پژوهش لازم است معاونت پرورشی به بازنگری معیارهای جذب و توانمندسازی مربیان پرورشی در حین خدمت اقدام نماید و افرادی را به عنوان معاونان پرورشی به خدمت بگمارد که بتوانند در انجام ماموریت‌های معاونت پرورشی که یکی از آنان پرورش دین‌داری در دانش‌آموزان است بکوشند. علاوه بر این نظام آموزش و پرورش در درس‌های مربوط به دین، اعم از دینی، قرآن، پرورشی، از معلمان و مربیانی با باورهای عمیق و اطلاعات قوی استفاده نماید. به سیاستگذاران نظام آموزشی پیشنهاد می‌گردد با تصویب سیاست‌های مالی و پشتیبانی‌های لازم در مشکلات معیشتی و اقتصادی کارگزاران نظام آموزشی اعم از مدیر، معاون پرورشی و مربی پیام‌های آسمانی انگیزه لازم را در آنان افزایش دهند تا آنها بتوانند برای دانش‌آموزان که به میزان بسیار زیادی تحت تاثیر الگوها هستند، الگوی شایسته‌ای باشند. علاوه بر این به مدیران و دبیران و مربیان پرورشی مدارس پیشنهاد می‌شود که به دلیل نامتناسب بودن روش‌های آمرانه و دستوری با شرایط و ویژگی‌های دین‌داری سعی کنند در فرایند دین‌داری دانش‌آموزان از روش‌های مناسب دیگری مانند ارتباط عاطفی و صمیمانه با فراگیر، جذاب کردن محیط فیزیکی از جمله رعایت استانداردهای فیزیکی مربوط به

فضا متناسب با شئون اسلامی بکوشند.

از محدودیت‌های انجام این پژوهش تاکید بر کنترل متغیرهای جنسیت است که این امر تعمیم‌پذیری یافته‌های پژوهش را با محدودیت مواجه می‌سازد. دیگر محدودیت این پژوهش تمرکز بر دوره متوسطه بوده است که تعمیم‌پذیری یافته‌ها را برای دوره‌های مختلف تحت تاثیر قرار می‌دهد. این پژوهش فقط در سطح مدارس شهر تهران صورت گرفته است. ابزار این تحقیق پرسش‌نامه‌های خود گزارش‌دهی است که این نوع ابزار، تعمیم‌پذیری یافته‌ها به ویژه زمانی که موضوع متمرکز بر اعتقادات است را با مشکل مواجه می‌سازد. از این رو لازم است به دلیل چنین محدودیت‌هایی در تعمیم یافته‌های این پژوهش تامل کنند. از دیگر محدودیت‌های این پژوهش این است که در دین‌داری دانش‌آموزان نهادها و عوامل مختلفی از جمله خانواده - رسانه و گروه‌های دوستان ایفای نقش می‌کند. در این پژوهش تنها یکی از آن نهادها یعنی مدرسه آن هم با تمرکز بر عملکرد مدیر، معاون پرورشی و دبیر دینی مورد مطالعه قرار گرفته است. این امر، برخورد با تربیت دینی را در این پژوهش محدود می‌نماید.

منابع

قرآن مجید (۱۳۸۶). ترجمه آیت‌الله ناصر مکارم شیرازی. مشهد: آستان قدس رضوی.

نهج البلاغه (۱۳۹۳). گردآورنده: محمدبن حسین شریف‌الرضی، مترجم: عبدالمحمد آیتی، ویراستار: محمدعلی مجد فقیهی و همکاران. تهران: دفتر نشر فرهنگ و بنیاد نهج البلاغه.

آبروشن، علی. (۱۳۷۵). جایگاه مذهب در اعتقادات عملی جوانان از دیدگاه دانش‌آموز. پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم تربیتی، دانشگاه تربیت معلم.

آذری، محمدرضا. (۱۳۷۵). بررسی عوامل موثر در تربیت دینی از نظر مدیران، دبیران دینی و دانش‌آموزان متدین دبیرستان‌های شهر اصفهان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان.

آقایی‌مبیدی، فهیمه. (۱۳۸۶). بررسی عوامل موثر در رشد و تثبیت باورهای دینی دانش‌آموزان سال سوم دوره متوسطه شهرستان اردکان یزد.

آمدی، عبدالواحدبن محمد. (۱۳۶۵). غررالحکم و دررالکلم. قم: انتشارات دارالکتب الاسلامیه.

افشار، معصومه. (۱۳۷۹). مقایسه آموزه‌های تربیت اخلاقی از منظر پست مدرنیسم و تربیت اخلاقی دینی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته تاریخ و فلسفه آموزش و پرورش، دانشگاه تربیت مدرس.

امینی، ابراهیم. (۱۳۸۷). اسلام و تعلیم و تربیت، جلد دوم، چاپ اول. تهران: انتشارات انجمن اولیاء و مربیان.

اورنگی، عبدالمجید. (۱۳۸۰). بررسی عوامل موثر در کم‌توجهی دانش‌آموزان دبیرستان‌های استان مرکزی نسبت به مسائل مذهبی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته علوم تربیتی، دانشگاه اراک.

حجتی، سیدمحمدباقر. (۱۳۶۴). آداب تعلیم و تربیت در اسلام. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

حرعاملی، محمدبن حسن. (۱۳۹۵). وسائل الشیعه، جلد ۱۸. قم: موسسه نشر اسلامی.

دلشادتهرانی، مصطفی. (۱۳۸۱). سبزی در تربیت اسلامی. تهران: موسسه نشر و تحقیقات ذکر.

رضایی، محمد. (۱۳۷۷). بررسی عوامل موثر بر تربیت دینی نوجوانان از دیدگاه اسلام. پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم تربیتی، دانشگاه تربیت معلم.

زندوانیان نائینی، احمد؛ دهقانی‌اشکذری، محبوبه و طیبی، راضیه. (۱۳۹۲). عوامل موثر بر گرایش دانش‌آموزان دختر دوره متوسطه شهرستان صدوق (یزد) به انجام فرائض دینی. اسلام و پژوهش‌های تربیتی، ۵(۱)، ۱۰۹-۱۲۵.

سرمد، زهره؛ بازرگان، عباس و حجازی، الهه. (۱۳۹۵). روش‌های تحقیق در علوم رفتاری. تهران: آگاه.

سلطانی، علی. (۱۳۸۱). بررسی نظرات دانش‌آموزان دختر دبیرستانی در مورد آسیب‌های موجود در تربیت دینی دانش‌آموزان دختر دبیرستان‌های شهر تهران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران.

سلیمی، محمدرضا. (۱۳۸۱). بررسی عوامل و روش‌های موثر در تقویت و تعمیق باورهای دینی دانش‌آموزان دختر راهنمایی شهرستان ملایر. پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران.

شجاعی‌زند، علیرضا. (۱۳۸۴). مدلی برای سنجش دین‌داری در ایران. مجله جامعه‌شناسی ایران، ۱۶(۱)، ۳۴-۶۶.

شریعتمداری، علی. (۱۳۹۳). تعلیم و تربیت اسلامی. تهران: انتشارات امیرکبیر.

طالبان، محمدرضا. (۱۳۷۷ الف). بررسی سهم عوامل جامعه‌پذیری در گرایش دانش‌آموزان دبیرستانی شهر تهران به نماز. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته جامعه‌شناسی، دانشگاه تربیت معلم.

(۱۳۷۷ ب). سنجش دین‌داری جوانان. نمایه پژوهش، ۴(۷ و ۸)، ۱۲۱-۱۲۹.

طباطبایی، سیدمحمدحسین. (۱۳۸۵). تفسیرالمیزان، جلد ۱۶. قم: بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی.

غراب، کمال‌الدین. (۱۳۷۵). بررسی جامعه‌شناختی - روان‌شناختی دوران نوجوانی و جوانی ائمه(ع). معاونت پژوهشی جهاد دانشگاهی مشهد.

فضائلی، محمد. (۱۳۸۲). بررسی روش‌های الگو مدرسه در تربیت دینی دانش‌آموزان دوره دبیرستان. گزارش طرح پژوهشی، تهران: شورای تحقیقات استان تهران.

قائمی، علی. (۱۳۸۱). دنیای جوان. تهران: انتشارات سازمان ملی جوانان.

قربان‌زاده، سلام‌الله. (۱۳۷۷). بررسی عوامل موثر در رشد و تثبیت باورهای دینی دانش‌آموزان دوره متوسطه. پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم تربیتی، دانشگاه ارومیه.

کارگر، عباس. (۱۳۸۵). مطالعه ویژگی‌ها و روش‌های آموزش مفاهیم دینی و اخلاقی کودکان دوره دبستانی از دیدگاه مدیران مراکز پیش‌دبستانی وابسته به سازمان بهزیستی شهر تهران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم تربیتی، دانشگاه تربیت معلم.

کرلیچگر، فردا. (۱۹۸۶). مبانی پژوهش در علوم رفتاری. جلد دوم (ترجمه حسن پاشا شریفی و جعفر نجفی‌زند، ۱۳۹۳). تهران: انتشارات آوای نور.

مجلسی، سیدمحمدباقر. (۱۳۸۵). بحارالانوار، جلد ۸۴. قم: انتشارات دارالکتب الاسلامیه.

مطهری، مرتضی. (۱۳۹۵). تعلیم و تربیت در اسلام. تهران: انتشارات صدرا.

موسوی‌نسب، سیدمحمدصادق. (۱۳۹۰). طراحی و تبیین «الگوی عمومی تربیت دینی بزرگسالان در قرآن» با تأکید بر وظایف مربی. اسلام و پژوهش‌های تربیتی، ۳(۲)، ۵-۳۶.

Krejcie, R.V., & Morgan, D.W. (1970). Determining sample size for research activities. *Educational and Psychological Measurement*, 30, 607-610.

Line, C.R. (2005). *The relationship between personal religiosity and academic performance among LDS college students at Brigham Young University*. Doctoral Dissertation, Purdue University.

Mooney, M. (2010). Religion, college grades, and satisfaction among students at elite colleges and universities. *Sociology of Religion*, 71(2), 197-215.

Schubmehl, J., Cubbellotti, S., & Van Ornum, W. (2009). The effect of spirituality and campus ministry on academic accomplishment in college students. *Adolescence*, 44(174), 499-502.